

جدید دادرسی و کیفر ارتش با در نظر گرفتن نکات مشروح بالا تنظیم و برای تصویب بمجلس تقدیم گردید بطور کلی قانون جدید دادرسی و کیفر ارتش نسبت بقانون (منسوخ) محاکمات نظامی مصوب تیرماه ۱۳۰۷ از هر جهت تغییرات و تفاوت‌های عمده دارد که هر چند مطالعه تمام مواد قانون مزبور از لحاظ احاطه بر قوانین و تحصیل اطلاعات قضائی برای عموم آقایان قضاة و سایر مأمورین قضائی لازم و مفید می باشد ولی قسمتی از آن نظر باینکه ضمناً برای دادرسیها و دادگاه های عمومی نیز ایجاد تکالیفی نموده و تغییری در رویه فعلی داده است در این موقع که قانون مذکور از تصویب

گذشته است مطالعه آن مخصوصاً ضرورت دارد. بنابراین از نظر آقایان قضاة و کارمندان دادگاه های دادگستری موضوع مطالعه و بحث در اطراف قانون نامبرده را در حقیقت میتوان بدو قسمت منقسم نمود:

قسمت لازم و قسمت مفید

و ماعجالاً قسمت لازم را بعنوان قسمت اول مورد بحث قرار داده و پس از اتمام آن با داشتن فراغت و توانائی نگارنده و گنجایش صفحات مجموعه حقوقی به قسمت دیگر بعنوان قسمت دوم میپردازیم.

حسن معاصر

بحث در اطراف قانون دادرسی و کیفر ارتش

قسمت اول

۱ - طرز تعقیب متهمین مشمول نظام وظانه راجع بطرز تعقیب متهمینی که هنگام کشف یا تعقیب جرم مشمول خدمت نظام وظیفه شده و مطابق مقررات قانون نظام وظیفه بایستی بخدمت زیر پرچم احضار شوند تا کنون مقررات قانونی خاصی راجع به صلاحیت دادگاهها و طرز تعقیب آنان وجود نداشت و با وجود اینکه مطابق اصل کلی رسیدگی و تعقیب جرائم ارتكابی این قبیل اشخاص هر گاه در زمان ارتكاب جرم هنوز بسن مشمولیت نرسیده و بعبارة اخری نظامی و ملبس بلباس نظام نشده اند قانوناً در صلاحیت دادگاههای عمومی میباشد ولی چون تبعیت مطلق و بدون شرط از این اصل خالی از اشکال نبوده و مواردی ممکن است پیش آید که تعقیب و احضار یک نفر نظامی از طرف دادگاه های عمومی در حین انجام خدمت از لحاظ مقتضیات خدمت نظام و ارتش و غیره عملاً یا غیر ممکن و یا نامناسب میباشد بنابراین تا کنون برای رفع این اشکال رویه معمول دادرسیها و دادگاههای عمومی در مورد این قبیل اشخاص

باتوجه به بخشنامه شماره ۳۵۸۷۴ مورخه ۱۳۱۱/۱/۲۰ وزارت دادگستری بر این بوده است که جز در موارد فوری و فوتی «تعقیب و اجراء مجازات آنان را موکول ببعد از انقضاء خدمت تحت السلاحی آنها نمایند» یعنی پرونده اتهامیه این قبیل متهمین را بانتظار خاتمه خدمت زیر پرچم آنها معوق نگاهداشته و پس از مرخصی آنها از خدمت نظام وظیفه آنها را مورد تعقیب قرار میدهند. اتخاذ این رویه نیز در اغلب موارد در عمل تولید اشکالات زیادی مینماید چه قطع نظر از موضوع حصول مرور زمان یا مواردیکه تعقیب و دستگیری متهم جنبه فوری و فوتی دارد موارد زیادی پیش میآید که از لحاظ کشف جرم و جلوگیری از تبانی شرکاء و معاونین در جرم و لزوم مواجهه آنان و تأمین مدعا به و تعقیب متهمین دیگر در همان قضیه (که نظر به نقص تحقیقات هنوز هویت آنان روشن نشده یا دلائل تعقیب آنان کافی نیست) و جهات دیگر که ذکر آن موجب اطناب است تأخیر جایز و مقتضی نبوده و نمیتوان تا مدتی که حداقل آن

(هر گاه متهم در زمان خدمت نظام وظیفه فرار نکرده و بنا مطابق مقررات قانون نظام وظیفه مصوب خرداد ۱۳۱۷ محکوم به تجدید خدمت نشود) دو سال است پرونده مربوطه را را کد و معوق گذارد بنابراین با توجه به اشکالاتیکه در هریک از دو صورت و دو نوع رویه سابق - الذکر روی میداد در قانون جدید دادرسی ارتش بطوریکه ملاحظه میشود رویه دیگری اتخاذ شده است که با رعایت مقتضیات خدمت نظام وظیفه و در عین حال تعقیب شخص مجرم هم عملی است و هم منطقی - مطالب محتاج به توضیح است :

بطور کلی وضعیت مشمولین نظام وظیفه که قبل از احضار بخدمت مرتکب جرمی شده ولی در تاریخ مشمولیت هنوز تعقیب و رسیدگی شروع نشده یا با فرض شروع هنوز خاتمه نیافته است از لحاظ تعقیب جزائی از دو صورت خارج نیست : یاد در موقع رسیدن بسن مشمولیت و احضار بخدمت عملاً تحت تعقیب میباشند (خواه نزد باز پرس یاد در داد گاه) و یا اینکه موقع احضار بخدمت بعلت عدم کشف جرم مرتکبه یا جهات دیگر تعقیب و رسیدگی شروع نشده و پس از دخول متهم بخدمت نظام وظیفه موجبات تعقیب فراهم میشود .
ماده ۴۲۴ قانون جدید دادرسی کیفر ارتش تکلیف هر دو مورد را معین و روشن نموده و اینطور مقرر داشته است :

« در مورد مشمولین نظام وظیفه که قبل از ورود بخدمت زیر پرچم باتهام ارتکاب جنایات مطلقاً و جنبه های مهمه مذکور در فصل اول از باب دوم و فصل هفتم و فصل نهم و فصل دهم از باب سوم قانون مجازات عمومی (جنبه های ارتکابی برضد امنیت کشور و سرقت و کلاه برداری و خیانت در امانت) مورد تعقیب واقع شده باشند بترتیب پائین عمل خواهد شد :

الف - هر گاه قبل از احضار بخدمت سر بلازی تحت تعقیب جزائی در آمده و در موقع مشمولیت و احضار به

خدمت هنوز رسیدگی و محاکمه خاتمه نیافته باشد احضار شخص متهم بخدمت زیر پرچم تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم قطعی بتأخیر خواهد افتاد و پس از صدور حکم قطعی دادسرای مربوطه نتیجه حکم را بحوزه نظام وظیفه محل اطلاع خواهد داد .

ب - چنانچه بعد از ورود بخدمت نظام وظیفه (در اثر ارتکاب جرم قبل از شروع بخدمت) مورد تعقیب واقع شوند بنا بتقاضای دادسرای مربوطه شخص متهم باخلع کسوت نظامی بوسیله دژبانی محل بدادسرای تقاضا کننده تسلیم خواهد شد .

تبصره - دادسرای مزبور مکلف است در هر دو مورد پرونده های این قبیل متهمین را باسرع وقت و خارج از نوبت رسیدگی نموده و نتیجه محاکمه و صدور حکم را بقسمت مربوطه شخص متهم اطلاع دهد و در صورت محکومیت بر طبق مفاد ماده ۲۲ قانون نظام وظیفه مصوب ۲۹ خرداد ماه ۱۳۱۷ با محکوم عمل خواهد شد .

بنا بر این هر گاه شخصی در تاریخی که مطابق مقررات قانون نظام وظیفه بسن مشمولیت رسیده و بایستی بخدمت نظام وظیفه احضار گردد متهم بارتکاب جنایت یا جنبه های برضد امنیت کشور و همچنین جرائم سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت بوده و هنوز رسیدگی بآن خاتمه نیافته و بمرحله قطعیت نرسیده باشد احضار چنین مشمولی مطابق ماده مزبور تا خاتمه رسیدگی و صدور قرار نهائی یا حکم قطعی بتأخیر خواهد افتاد و اداره نظام وظیفه محل مربوطه بایستی باحضار چنین شخصی در آن موقع اقدام نماید تا تکلیف او در اثر تعقیب بطور کلی معلوم شود چه بسا ممکن است بطوری که بعداً توضیح خواهد شد شخص موضوع بحث متهم بجنایت مهمی بوده و در نتیجه تعقیب و رسیدگی و ثبوت جرم محکوم بحبس مؤبد یا اعدام شده و دیگر موضوع انجام خدمت وظیفه اساساً منتفی گردد و یا اینکه محکومیت

جنائی او منطبق با ماده ۲۲ قانون نظام وظیفه بوده و بایستی مجازاتی که مورد حکم واقع شده است بدو اجراء شده و پس از اتمام مجازات مقرر خدمت زیر پرچم رادر واحدهای مخصوصی که مطابق دستور ستاد ارتش برای این قبیل محکومین تشکیل و با سایر سربازان و مشمولین عادی آمیزشی ندارند انجام دهد.

و اما در صورتیکه جرم ارتكابی این قبیل اشخاص که قبل از دخول بخدمت نظام وظیفه مرتکب شده اند پس از دخول آنان بخدمت وظیفه و ملبس شدن بلباس سربازی کشف و مورد تعقیب قرار گیرند باز پرس های دادگاههای عمومی و دادسراها بدستور مندرج در بند (ب) از ماده ۴۲۴ قانون نامبرده حق دارند تسلیم شخص متهم را از فرمانده قسمت یا واحدیکه متهم در آنجا مشغول خدمت است تقاضا نمایند و فرمانده نظامی که چنین تقاضائی از او میشود مطابق همان ماده قانوناً مکلف است سرباز متهم را پس از خلع لباس نظامی بوسیله دژبانی محل بدادسرای تقاضا کننده تسلیم نماید تا اتهام وی مورد بازپرسی و رسیدگی قرار گیرد.

تکلیف دیگری که قانون مزبور در این قبیل موارد برای دادسراها و دادگاههای عمومی مقرر داشته این است که تعقیب و رسیدگی با اتهامات این قبیل اشخاص را از لحاظ اهمیت و ضرورت انجام خدمت نظام وظیفه بایستی باسرع وقت و خارج از نوبت (خواه در مرحله بازپرسی یا در رسیدگی دادگاه) انجام داده و پس از خاتمه رسیدگی هم اعم از اینکه متهم بموجب قرار قطعی بازپرس مورد منع تعقیب واقع شده یا طبق رأی دادگاه محکوم یا تبرئه شده باشد نتیجه را بقسمت مربوطه نظامی متهم اطلاع دهند تا در صورت براءت مراتب در پرونده و سوابق خدمت او قید و چنانچه منتهی به محکومیت وی شده باشد به طوریکه فوق اشاره شد باتوجه بماده ۴۲۴ قانون دادرسی

ارتش مطابق ماده ۲۲ قانون نظام وظیفه مصوبه ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ با او رفتار شود.

ماده ۲۲ قانون نظام وظیفه اینطور مقرر داشته است: «در باره مشمولینی که قبل از احضار بخدمت سربازی مورد محکومیت واقع شده اند بطریق ذیل عمل خواهد شد:

الف - محکومین بجنایت و محکومینی که به واسطه تکرار جرم بمجازات بیشتر از حد اکثر مجازات تأدیبی محکوم شده باشند بعد از اتمام مجازات مقرر خدمت زیر پرچم رادر واحدهای مخصوص مطابق دستور ستاد ارتش در کارهای مورد احتیاج ارتش انجام خواهند داد

ب - سایر محکومین بجنحه هر چند در حال اجراء مجازات باشند در موقع مشمولیت بدو باید خدمت زیر پرچم خود را انجام داده سپس دوباره آنها اجرای مجازات بشود»

بنابراین هر گاه محکومیت نظامی موضوع بحث جنائی بوده یا در اثر تکرار جرم بمجازات بیشتر از حد اکثر مجازات تأدیبی محکوم شده باشد بایستی بدو مجازات مورد حکم بموقع اجراء گذاشته شده و بعداً با فرض وجود (یعنی در صورتیکه محکوم با اعدام یا حبس مؤبد نشده باشد) خدمت نظام وظیفه خود را در واحدهای مخصوصی که فقط برای این قبیل محکومین تشکیل شده انجام دهد - و هر گاه محکومیت او از درجه جنحه باشد بر فرض هم که به مرحله قطعیت رسیده باشد مطابق بند (ب) از ماده ۲۲ قانون مزبور بایستی تا خاتمه خدمت وظیفه بلا اجراء مانده و سپس بموقع اجراء گذارده شود.

۲ - محکومیت افسران وظیفه احتیاط

در دادگاههای عمومی

چون ممکن است افسران وظیفه پس از انجام و اتمام دوره خدمت زیر پرچم (که مطابق ماده چهارم قانون نظام وظیفه دو سال است) و مرخص شدن و به اصطلاح دخول در دوره احتیاط و ذخیره مرتکب جرمی

شده و مورد تعقیب واقع شوند بدیهی است داد گاه صلاحیتدار برای رسیدگی بانتهام این قبیل اشخاص که بالفعل غیر نظامی میباشند قانوناً داد گاه عمومی است وای باید دید هر گاه این قبیل اشخاص که از افسران احتیاط محسوب میشوند در داد گاه عمومی محکوم گردند آیا محکومیت آنها عملاً تأثیری در حیثیت و شئون افسری آنها هم خواهد داشت یا خیر؟

فرض میکنیم یکی از افسران وظیفه دوره دوساله خدمت زیر پرچم خود را انجام داده و کتابچه خانمه خدمت زیر پرچم خود را از قسمت مربوطه دریافت و داخل یکی از مشاغل آزاد یا خدمت دولتی میشود ضمناً بانتهام ارتکاب جرمی مورد تعقیب واقع و بالنتیجه در داد گاه عمومی بموجب حکم قطعی بششماه یا بیشتر حبس محکوم شده و مفاد حکم بموقع اجراء هم گذارده شد پس از اتمام مجازات و دومرتبه داخل شدن در جامعه هر گاه طبق مقررات قانون نظام وظیفه برای خدمت تعلیماتی سالیانه یا بر حسب ضرورت بخدمت زیر پرچم فرا خوانده شد آیا چنین شخصی بعنوان یک افسر و با داشتن علائم و میزات افسری باید خود را برای خدمت معرفی نماید یا مثل یک سرباز عادی؟

قانون جدید دادرسی ارتش اینمورد را پیش بینی نموده و ضمن ماده ۳۰۱ اینطور مقرر داشته است:

«افسران وظیفه احتیاط که در داد گاههای عمومی به بیش از یکسال حبس محکوم گردند از درجه افسری احتیاط خلع و در مراحل بعدی خدمت وظیفه مثل سرباز عادی انجام خدمت خواهند نمود - در مورد این ماده دادستانهای داد گاههای عمومی مراتب را بوسیله وزارت داد گستری بوزارت جنگ اطلاع خواهند داد»

بنابر این اگر این قبیل اشخاص که دوره خدمت زیر پرچم را تمام کرده و جزو افسران وظیفه احتیاط محسوب میشوند مرتکب جرمی شده و در داد گاههای عمومی بمدتی کمتر از یکسال یا فقط یکسال حبس تأدیبی

محکوم گردند این محکومیت هر چند اثر خود را از سایر جهات خواهد داشت اما لطمه بشئون و درجه افسری آنها از حیث خدمت وظیفه وارد نخواهد آورد ولی در صورتیکه مدت محکومیت آنها بیش از یکسال حبس تأدیبی باشد بموجب ماده فوق الذکر بخودی خود از درجه افسری احتیاط خلع و در مراحل بعدی خدمت که مطابق ماده ۴ قانون نظام وظیفه بسه دوره (احتیاط و ذخیره اول و ذخیره دوم) تقسیم شده است مثل سرباز عادی خدمت خواهند نمود.

در مورد این قبیل محکومیتها (یعنی محکومیت به بیش از یکسال حبس) دادستانهای داد گاههای عمومی بموجب ماده ۳۰۱ قانون دادرسی ارتش مکلف هستند که در هر مورد مراتب را بوزارت داد گستری گزارش دهند تا به وزارت جنگ اطلاع داده شود.

۳ - تعقیب جزائی مأمورین شهربانی و آمار

در مورد اختلاس و ارتشاء

مطابق قانون «مرجع محاکمه مأمور نظمی و سجل احوال مصوب سی اسفند ۱۳۰۹» تعقیب جزائی مأمورین شهربانی و آمار و ثبت احوال در مورد اختلاس و ارتشاء و جرمهاییکه مأمورین اداره آمار راجع بامور آمار و ثبت احوال مرتکب میشوند در داد گاههای نظامی بعمل میآید از طرف دیگر بموجب شق ۴ از ماده واحده قانون متمم قانون دیوان جزاء عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۰۸ جرمهای اختلاس و کلاه برداری که دفعتاً ارتکاب شده و از پانصد ریال بیائین است و یا بدفعات واقع شده و مجموع آن پانصد ریال یا کمتر است و هم چنین جرم ارتشاء که دفعتاً واقع شده و دویست ریال یا کمتر است و یا بدفعات ارتکاب و مجموع آن دویست ریال یا کمتر باشد در داد گاه اداری همان وزارتخانه یا بنگاهی که مستخدم یا مأمور آن مرتکب اختلاس یا کلاه برداری یا ارتشاء شده رسیدگی خواهد شد.

راجع بمسئله صلاحیت داد گاههای نظامی و

دادگاه های اداری در مورد تعقیب جرائم اختلاس تا پانصد ریال و ارتشاء تا دویست ریال تا کنون عقاید متضادی اظهار شده و عده معتقد بوده اند که قانون مصوب ۳۰ اسفند ماه ۳۰۹ که بطور مطلق تعقیب جزائی مأمورین شهربانی و آمار را در مورد اختلاس و ارتشاء در صلاحیت دادگاه نظامی تشخیص داده است يك حکم کلی و مؤخر و وارد بر قانون متمم قانون دیوانجزاء مصوب ۳۰ آبان ۳۰۸ میباشد که شق ۴ از آن مقرر داشته است جرائم اختلاس و کلاه برداری تا حدود پانصد ریال و ارتشاء تا حدود دویست ریال در دادگاه اداری رسیدگی شود و بنا بر این مرجع صلاحیتدار برای رسیدگی بجرائم اختلاس و ارتشاء مأمورین نامبرده هر مبلغ و میزان که باشد مطابق این حکم کلی دادگاه نظامی است و برخی دیگر بر خلاف نظریه فوق عقیده داشته اند که حکم مندرج در شق چهار از قانون مصوب ۳۰ آبان ۳۰۸ که اختلاس و کلاه برداری تا پانصد ریال و ارتشاء تا دویست ریال را در صلاحیت دادگاه اداری و وزارتخانه یا اداره متبوعه کارمند متهم مقرر داشته است يك حکم کلی و ناظر بتمام موارد است بدون استثناء و قانون مصوبه ۳۰ اسفند ۳۰۹ که در مورد يك قسمت از اتهامات مأمورین شهربانی و آمار دادگاه نظامی را مرجع رسیدگی تشخیص داده است يك نص خاصی است که فقط از حیث صلاحیت در مورد منصوص خود مجری بوده و نمیتواند حکم کلی مندرج در شق ۴ ماده واحده قانون ۳۰ آبان ۳۰۸ را نسخ نماید. عجب این است که با وجود اینکه دیوان کشور در چند مورد در اثر حصول اختلاف عقیده بین دیوان کیفر کارکنان دولت و دادگاه های نظامی در مورد موضوع بحث عقیده دسته اول را تأیید و رأی بر صلاحیت دادگاه اداری صادر نموده است (رجوع شود به حکم شماره ۱۸۱۴/۱۰۲۳۵ - ۱۶۸/۱۰ - دیوان کشور مندرج در صفحه ۴۰ شماره ۵۵ مجموعه حقوقی) معیناً بازم این اختلاف عقیده بطور کلی رفع

نشده و يك رویه قضائی واحدی اتخاذ نگشته است ولی ماده ۹۵ قانون دادرسی ارتش تکلیف قطعی را روشن نموده و اینطور مقرر داشته است :

«ماده ۹۵ - علاوه بر موارد فوق تعقیب جزائی مأمورین شهربانی و مأمورین اداره آمار و ثبت احوال در مورد اختلاس و ارتشاء و جرمهاییکه مأمورین اداره آمار و ثبت احوال راجع بامور آمار و ثبت احوال مرتکب میشوند در دادگاه های نظامی بعمل آمده و در مقام تعیین مجازات مطابق قانون مجازات عمومی و سایر قوانین مربوطه در باره آنها رفتار خواهد شد.

تبصره - در مورد این ماده هرگاه مال موضوع اختلاس پانصد ریال یا کمتر و مال موضوع ارتشاء ۲۰۰ ریال یا کمتر باشد دادرسی متمم حسبالمورد در دادگاه اداری شهربانی یا اداره آمار و ثبت احوال (بارعايت بند ۴ قانون متمم قانون دیوانجزای عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۰۸) بعمل خواهد آمد»

ضمناً بی مناسبت نیست که در خاتمه این قسمت این نکته نیز توضیح شود که چون در ماده دوم قانون مرجع محاکمه مأمورین شهربانی و آمار مصوب ۳۰ اسفند ۱۳۰۹ که باتصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش نسخ شده مقرر شده است که: «مأمورین نظمی تابع مقررات انضباطی و زارتجنگ خواهند بود» بدین مناسبت تا کنون امور خلافی و تخلفات انضباطی مأمورین شهربانی برای رسیدگی و تعقیب با استناد ماده مزبور بدادگاههای نظامی ارجاع میشد ولی ماده ۹۶ قانون دادرسی ارتش در عین اینکه تخلفات انضباطی مأمورین شهربانی را اصولاً از لحاظ سنخیت تابع مقررات ارتش دانسته است رسیدگی و تعقیب آنرا بخود ادارات شهربانی محول نموده و اینطور مقرر داشته است که: «رسیدگی بتخلفات انضباطی مأمورین شهربانی تابع مقررات ارتش بوده و خود رؤساء شهربانی بطوریکه در ماده ۴۱۹ این قانون مقرر شده

دادگاه نظامی است دادرسی میشود» ولی مواردی ممکن است پیش آید که رسیدگی به بزهی که در صلاحیت دادگاه نظامی است با رسیدگی به بزهی دیگر که در صلاحیت دادگاه عمومی است ملازمه داشته و طبیعتاً طوری است که قابل تفکیک نبوده و نمیتوان در دادگاه مختلف آنرا تحت رسیدگی قرار داد - برای مثال فرض می کنیم یکی از مأمورین شهربانی یا اداره آمار و ثبت احوال برای اینکه مبلغی از وجوه دولتی یا وجوه سپرده شده اداری را اختلاس نماید متشبهت بسند سازی و جعل و تزویر شده و بالتسبیح هم از حیث بزهی اختلاس و هم جعل و تزویر که وسیله اختلاس بوده مورد تعقیب واقع می گردد.

در چنین موردی مطابق قانون ۳۰ اسفند ۳۰۹ با توجه بماده ۶۰ قانون محاکمات نظامی مورخه تیر ۳۰۷ متهم موضوع بحث میبایستی بدو در دیوان کیفر کارکنان دولت برای ارتکاب جعل مورد تعقیب واقع شده و پس از آن برای رسیدگی به بزهی اختلاس او در دادگاه نظامی تحت تعقیب در آید.

فرض میکنیم متهم در دیوان کیفر کارکنان دولت بعلت فقد دلیل کافی از اتهام جعل و تزویر تبرئه شد - تکلیف دادگاه نظامی در مورد رسیدگی به بزهی اختلاس او که مدلل هم میباشد چیست؟ در حالیکه همین اختلاس بوسیله جعل و تزویر در اسناد صورت گرفته و اگر قائل به ارتکاب جعل و تزویر او نشویم اختلاس او را هم منطقی و نتیجه نمیتوانیم قبول نمائیم.

آیادادگاه نظامی هم چون متهم در دادگاه عمومی از اتهام جعل و تزویر که وسیله اختلاس بوده تبرئه شده بایداو را از اتهام اختلاس هم که ثابت و مبرهن میباشد با احترام رأی دادگاه عمومی تبرئه نمود یا اینکه میتواند موضوع برائت او را از اتهام جعل و تزویر مورداعتنا قرار نداده و حکم بر ثبوت اختلاس وی بدهد؛ قبول هر یک از این دو صورت قابل تأمل و اشکال است - قانون دادرسی

مجازاتهای متخلفین را تعیین خواهند نمود.»

ماده ۴۱۹ که در ماده فوق بان اشاره شده بفرماندهان و رؤساء قسمتهای نظامی اختیار و اجازه داده است که در مورد تخلفات انضباطی و امور خلافی متسبب به افراد تابع خود راساً مجازاتهایی که حداکثر آن یکماه حبس است تعیین و اعمال نمایند حال همین اجازه و اختیار به رؤساء شهربانی نیز داده شده است که بتوانند در مورد مسائل انضباطی و امور خلافی مأمورین شهربانی بر حسب مورد تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.

ماده ۴۱۹ قانون مذکور که مجوز موضوع فوق - الذکر می باشد مقرر داشته است «در دو مورد مذکور در پائین کیفر با اختیار فرماندهان و رؤساء مربوطه است و مرتکب به حبسی که مدت آن از یکماه تجاوز نکند محکوم میشود (۱) در صورتی که نظامیان مرتکب امور خلافی منظوره در ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی و آئین نامه های مربوطه بآن ماده بشوند (۲) - در صورتیکه تخلف از نظامات مربوطه بانضباط باشد».

۴ - طرز دادرسی متهمینی که در آن واحد در دو

دادگاه مختلف نظامی و عمومی قابل تعقیب میباشد.

ماده ۹۸ قانون جدید دادرسی ارتش که با مختصر

اصلاحی تقریباً همان حکم مندرج در ماده ۶۰ قانون منسوخ محاکمات نظامی را انشاء نموده اینطور مقرر میدارد «هر کس باتهام دوبزه مورد تعقیب واقع شود که یکی از آنها در حدود صلاحیت دادگاههای نظامی و دیگری در حدود صلاحیت دادگاههای دادگستری باشد متهم بدو دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین بزهی را دارد جلب میگردد و بعد از آن برای بزهی ثانوی به دادگاه دیگر فرستاده میشود در صورتیکه در هر دو دادگاه محکوم شود فقط کیفریکه شدیدتر است در باره او اجراء میشود و در صورتیکه هر دو بزهی از حیث کیفر مساوی باشند متهم بدو اراجع بامریکه در حدود صلاحیت

و کیفر ارتش چنین موردی را پیش بینی نموده و ضمن ماده ۹۹ اینطور مقرر داشته است:

«در مورد عاده قبل هر گاه رسیدگی بموضوع بزهیکه در صلاحیت دادگاه نظامی است نظر باوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب عمل ملازمه بارسیدگی به بزه دیگر که در حدود صلاحیت دادگاههای عمومی است داشته باشد رسیدگی به کلیه بزه های متهم در دادگاههای نظامی بعمل خواهد آمد.»

بنابراین اگر مأمورین و کارمندان شهربانی و آمار و ثبت احوال بمنظور اختلاس یا ارتشاء مرتکب جعل و تزویر در اسناد دولتی بشوند بطوریکه ملازمه بایک دیگر داشته باشد مطابق ماده ۹۹ قانون مذکور رسیدگی به هر دو بزه آنها در دادگاههای نظامی بعمل آمده و بنابراین دیگر آن اشکال که قبلاً توضیح شد پیش نخواهد آمد.

۵ - صلاحیت دادگاهها در موقعی که بزهکار

شریک یا معاون داشته باشد

مطابق ماده ۱۱۵ قانون نامبرده در موقعیکه بزه بشرکت یا معاونت اشخاص متعددی واقع شود که بعضی تابع دادگاههای نظامی و بعضی تابع دادگاههای عمومی باشند در موارد مشروحه پائین تمام متهمین بدون استثناء در دادگاههای نظامی مورد تعقیب و دادرسی واقع می شوند:

۱ - وقتی که تمام متهمین در حین تعقیب بزه تابع دادگاههای نظامی بوده ولو اینکه بعضی از آنها بواسطه موقعیتشان در حین ارتکاب بزه تابع دادگاههای نظامی نبوده باشند.

۲ - چنانچه موضوع جنحه یا جنایتی باشد که از طرف اشخاص تابع دادگاههای نظامی و بشرکت یا معاونت اتباع خارجه ارتکاب شده باشد.

۳ - اگر موضوع مربوط بجنحه یا جنایتی باشد که در موقع اشغال خاک بیگانه ارتکاب شده است.

۴ - چنانچه موضوع جنحه یا جنایتی باشد که در قلمرو قسمتهای ارتش در حال جنگ در داخل کشور ارتکاب شده است.

۵ - بزه های مشروحه در ماده ۹۴ قانون دادرسی ارتش که عبارتند از - خیانت - جاسوسی - تحریک بخيانت - ایراد ضرب و صدمه یا اهانت نسبت به نگهبان سوار یا پیاده - ترغیب نظامیان بفرار و تسهیل و وسایل برای آنها - تقلب و دسیسه در امور نظام و وظیفه - خریداری یا مخفی کردن یا برهن گرفتن اسلحه و مهمات و اشیاء نظامی با علم باینکه آن اشیاء متعلق بارتش است - تخریب عمدی ابنیه و ساختمانها و استحکامات و اسلحه و مهمات و آذوقه و سایر اشیاء نظامی - تلف نمودن یا سوزانیدن دفاتر ثبت و بایگانی و اسناد نظامی - راهزنی در طرق و شوارع و سرقت مسلحانه بطور کلی.

غیر از موارد مفصله فوق قانون دادرسی و کیفر ارتش نیز در مورد شرکاء و معاونین بزهکار اصل کلی را (باتوجه بماده ۱۹۸ قانون اصول محاکمات جزائی) رعایت نموده و طی ماده ۱۱۶ مقرر داشته است که «در غیر موارد مذکور فوق دادرسی متهمین در دادگاهی بعمل میآید که صلاحیت رسیدگی درباره بزهکار اصلی را دارد.»

ولی در عقبه ماده ۱۱۶ قانون مذکور یک نکته مهمی راجع بشرکاء و معاونین بزهکار پیش بینی شده است که در قانون محاکمات نظامی پیش بینی نشده بوده و بدین جهت تا کنون در این قبیل موارد راجع بتشخیص دادگاه صلاحیتدار اشکالات عمده پیش آمد می کرد که با وجود حل اختلاف توسط دیوان کشور معینا اشکالات ناشیه از این موضوع نظر بسکوت و ابهام قانون و همچنین مقتضیات ارتش عملاً رفع نمیشد زیرا در بعضی

داد گاههای نظامی درخواست رسیدگی فرجامی نمود فقط منحصر به موضوع صلاحیت آنها نسبت با احکام صادره در باره اشخاص غیر نظامی بوده و اشخاص نظامی و همردیف نظامی و اشخاص تابع قوانین ارتش بهیچ عنوانی حق درخواست رسیدگی فرجامی نسبت با احکام داد گاههای نظامی نداشتند ولی بطوری که ملاحظه میشود در قانون جدید دادرسی و کیفر ارتش در این مورد رویه اتخاذ شده است که با مقررات قانون سابق تفاوت فاحش و عمده دارد چه اولاً اختیار و حق دیوان کشور در رسیدگی فرجامی نسبت با احکام داد گاههای ارتش منحصر به موضوع صلاحیت نبوده بلکه بکلیه موارد قابل اعتراض تعمیم داده شده است ثانیاً حق درخواست رسیدگی فرجامی هم (در صورتی که موضوع اتهام مربوط بمسائل نظامی و تکالیف نظامی نباشد) بطور مطلق بعموم معترضین اعم از اشخاص غیر نظامی یا نظامی و همردیف نظامی اعطاشده است با این قید که استدعای رسیدگی فرجامی تبلاً مورد تصویب مقام بزرگ ارتشتاران فرمانده (فرمانده کل قوا) واقع گردد. ماده ۲۶۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش در این مورد اینطور مقرر داشته است:

«از احکام دیوان تجدید نظر هر گاه موضوع اتهام مربوط بمسائل نظامی و تکالیف نظامی نباشد با تصویب بزرگ ارتشتاران فرمانده میتوان فقط برای یکنوبت درخواست رسیدگی فرجامی نمود»

مواردی که میتوان نسبت با احکام دیوان تجدید نظر درخواست رسیدگی فرجامی نمود مطابق ماده ۲۶۹ قانون نامبرده بشرح پائین است:

۱ - در صورت نقض قوانین موضوعه راجع بزه و کیفر آن.

۲ - در موارد عدم رعایت اصول و قوانین دادرسی جزائی در صورتی که عدم رعایت قوانین مذکور باندازه

موارد ممکن است مرتکبین يك بزه عموماً شرکاء در بزه شناخته شده و نتوان يك یا چند نفر از آنها را مرتکب اصلی شناخت مثل قتل یا جرح و ضربی که در اثنای منازعه واقع شده و بزهکار اصلی معلوم نشود (رجوع بماده ۱۷۵ و ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی) برای پیش بینی این قبیل موارد ماده ۱۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش اینطور مقرر داشته است:

«در مورد ماده قبل هر گاه تشخیص بزهکار اصلی نظر بکیفیت ارتکاب عمل غیر ممکن بوده و متهمین تماماً شرکاء در بزه شناخته شوند بترتیب پائین عمل خواهد شد:

الف - هر گاه عده متهمین نظامی بیش از متهمین غیر نظامی باشد دادرسی همه در داد گاههای نظامی بعمل خواهد آمد و اگر عده متهمین غیر نظامی بیش از متهمین نظامی باشد دادرسی بایستی در داد گاههای عمومی بعمل آید.

ب - هر گاه عده متهمین نظامی و غیر نظامی مساوی باشد دادرسی همه در داد گاه های نظامی بعمل خواهد آمد»

و بعد در ماده ۱۱۸ موضوع قانون استنادی داد گاه را در این قبیل موارد پیش بینی نموده و برخلاف ترتیب مندرج در ماده ۷۸ قانون منسوخ محاکمات نظامی مقرر داشته است:

«در مورد دو ماده قبل داد گاه حاکمه اعم از داد گاه نظامی یا عمومی نسبت بنظامیان مطابق قانون دادرسی و کیفر ارتش و نسبت بغیر نظامیان مطابق قانون مجازات عمومی حکم خواهد داد».

۶ - رسیدگی فرجامی نسبت با احکام داد گاههای نظامی

مطابق مقررات ماده ۸۰ قانون محاکمات نظامی مصوبه تیرماه ۳۰۷ موردیکه ممکن بود نسبت با احکام

اهمیت داشته باشد که در حکم داد گاه مؤثر بوده و آنرا از اعتبار حکم قانونی بیاندازد.

مهلت قانونی برای درخواست رسیدگی فرجامی هم در ماده ۲۷۲ ده روز از تاریخ اعلام رأی داد گاه تعیین شده است بدین عبارت: « مدت درخواست رسیدگی فرجامی ده روز است و ابتدای آن از تاریخ اعلام رأی داد گاه محسوب میشود ».

بنا بر این پذیرفتن درخواست رسیدگی فرجامی نسبت با احکام داد گاههای نظامی (دیوان تجدیدنظر) قانوناً مشروط به شرط پائین است:

۱- موضوع اتهام مربوط بمسائل نظامی و تکالیف نظامی نباشد.

۲- درخواست رسیدگی فرجامی مورد تصویب مقام بزرگ ارتشتاران فرمانده واقع شده و ابلاغیه وزارت جنگ مشعر بر این معنی پیوست پرونده نباشد.

۳- درخواست رسیدگی فرجامی در ظرف مدت قانونی تسلیم شده باشد

درخواست رسیدگی فرجامی به کجا باید داده شود؟

ماده ۲۷۱ قانون دادرسی ارتش این طور مقرر داشته است:

«درخواست رسیدگی فرجامی با رعایت شرایط مذکوره در مواد قبل بدفتر اداره دادرسی ارتش و یا بدفتر داد گاهی که حکم را صادر نموده است داده میشود تا بوسیله اداره دادرسی ارتش بپیوست پرونده مربوطه بدفتر دیوان کشور فرستاده شود.»

ترتیب رسیدگی در دیوان کشور

تکلیف دیوان کشور در موردی که نسبت با احکام داد گاههای نظامی درخواست رسیدگی فرجامی میشود

طی مواد ۲۷۴ و ۲۷۵ قانون نامبرده بشرح پائین مقرر شده است:

ماده ۲۷۴- پس از وصول دادخواست فرجامی بدفتر دیوان کشور مطابق ترتیبی که در قانون آئین دادرسی کیفری مقرر شده است رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷۵- در صورتیکه دیوان کشور حکم فرجام خواسته شده را نقض نماید بدون داخل شدن بماهیت دعوی موضوع را بداد گاه دیگری که در عرض داد گاهی که حکم منقوض را داده است باشد ارجاع خواهد نمود.

آیا از حکمی که پس از نقض در دیوان کشور و ارجاع بداد گاه نظامی دیگر صادر میشود میتوان مجدد درخواست رسیدگی فرجامی نمود؟ پاسخ این سؤال منفی است زیرا اولاً بطوری که قبلاً توضیح شد در ماده ۲۶۸ قید شده است که «از احکام دیوان تجدیدنظر ... میتوان فقط برای یکنوبت درخواست رسیدگی فرجامی نمود»

ثانیاً در ماده ۲۷۶ نیز این موضوع بدین عبارت تصریح شده است که «در صورت نقض حکم و ارجاع بداد گاه دیگر حکمی که در رسیدگی ثانوی از آن داد گاه (دیوان تجدیدنظر) صادر میشود قطعی و لازم الاجراء خواهد بود».

۷- حل اختلاف در مورد صلاحیت

ماده ۲۰۴ قانون اصول محاکمات جزائی فقط راجع بمواردی که بین داد گاههای نظامی و داد گاههای دادگستری در موضوع صلاحیت اختلاف عقیده حاصل میشود مقرر داشته است که «رفع اختلاف مابین داد گاههای دادگستری و نظامی بادیوان کشور است که پس از خواستن توضیحات لازمه از وزارت جنگ رسیدگی کرده حکم میدهد» . دلی

راهزنی می‌شوند در دادگاههای نظامی تعقیب و دادرسی میشوند و رسیدگی و تعقیب سرقت هائیکه با اسلحه در شهرها و قراء و قصبات میشد در صلاحیت دادگاههای عمومی بود ولی قانون جدید دادرسی ارتش علاوه بر موضوع راهزنی در طرق و شوارع تعقیب سایر سرقتهای مسلحانه را هم که در غیر طرق و شوارع صورت میگیرد در صلاحیت دادگاههای نظامی تشخیص داده و ضمن ماده ۴۱۰ اینطور مقرر داشته است:

« هر سارقی که حامل سلاح بوده و در غیر طرق و شوارع از قبیل دهات و قراء و قصبات یا شهرها یا توابع آنها مرتکب سرقت بشود بترتیب پائین محکوم میشود:

الف - هر گاه سرقت در شب واقع شده و یا مقرون با آزار یا تهدید باشد بحبس با کار از سه تا پانزده سال

ب - چنانچه سرقت در روز واقع شده باشد بحبس عادی از ششماه تا سه سال »

بنابراین از تاریخ اجرای قانون نامبرده رسیدگی بموضوع سرقتهائیکه در شهرها و دهات و قصبات و توابع آنها میشود از صلاحیت دادگاه های عمومی خارج و بایستی بوسیله دادگاه های نظامی تعقیب و رسیدگی شود. حسن معاصر

دیگر اختلاف عقیده بین بازپرس های دادگستری و نظامی در قانون اصول محاکمات جزائی و قانون محاکمات نظامی پیش بینی نشده است. هر چند رویه قضائی تا کنون بر این بوده است که در مورد حصول اختلاف عقیده بین باز پرس های نظامی و دادگستری هم مطابق روح عمومی قانون باستناد حکم ماده ۲۰۴ قانون نامبرده به دیوان کشور رجوع میشده است ولی بهر حال در ماده ۲۷۷ و ۲۷۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش این موضوع نیز بشرح پائین پیش بینی شده است:

ماده ۲۷۷ - در مواردی که بین دادگاه های نظامی و دادگاههای دادگستری یا بین بازپرس های نظامی و باز پرس های دادگستری راجع به صلاحیت اختلاف عقیده حاصل شود در رفع اختلاف و تشخیص صلاحیت بادیوان کشور است.

ماده ۲۷۸ - در مورد ماده قبل دیوان کشور در صورت احتیاج توضیحات لازم از اداره دادرسی ارتش خواسته و پس از رسیدگی رأی مقتضی صادر می نماید.

۸ - سرقت مسلحانه در غیر طرق و شوارع مطابق قانون مجازات قطاع الطريق مصوب ۹ خرداد ماه ۳۱۰ که از تاریخ اجرای قانون دادرسی و کیفر ارتش (۱۵ فروردین ماه ۱۳۱۹) منسوخ است فقط کسانی که در طرق و شوارع بنحوی از انحاء مرتکب

اخذ تأمین

از اتباع خارجه

درخواست طرف برای تأدیه خسارتی که از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله ممکن است بآن محکوم گردند باید تأمین دهند الخ. در موضوع این ماده میتوان

بموجب ماده ۲۱۸ قانون آئین دادرسی مدنی اتباع دولت های خارجه اعم از اینکه مدعی اصلی باشند و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردند در صورت